

تدوین پرسشنامه جامع گریت و تأثیر آن در یادگیری زبان انگلیسی
به عنوان زبان خارجی

Developing an ELT Context-Specific Grit Instrument

سامان عبادی^۱، هیوا ویسی^۲ و زهرا خاکسار^{۳*}

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۰۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲

چکیده

هدف: با توجه به اهمیت گریت برای یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی هدف پژوهش حاضر ساخت ابزاری دقیق و مناسب جهت سنجش گریت برای زبان آموزان می باشد.
روش: روش این پژوهش با توجه به اهداف آن توصیفی بوده است که با لحاظ جامعه‌ی آماری مدرسان و زبان آموزان ایرانی در مؤسسات زبان شهرهای تهران و همدان صورت گرفته است. ابزار پژوهش پرسشنامه گریت به زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم، با توجه به تعاریف سازه، فهرست‌ها، طبقه‌بندی‌ها و پژوهش‌های پیشین طراحی شده است.
یافته‌ها: برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل‌های تأییدی و اکتشافی با استفاده از نمودار اسکری، آزمون‌های کروییت بارتلت، کفایت نمونه‌برداری کایسر میراولکین، تحلیل عاملی با چرخش واریماکس، آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه تحلیل عاملی با استفاده از روش واریماکس و براساس آزمون اسکری بیان‌گر وجود ۴ مقیاس "تلاش سخت برای یادگیری زبان انگلیسی"، "علاقه به یادگیری زبان انگلیسی"، "تمرین زیاد برای یادگیری زبان انگلیسی" و "داشتن هدف برای یادگیری زبان انگلیسی" بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون (۰/۸۳۳) و مقیاس‌های تلاش (۰/۷۸) علاقه‌مندی (۰/۸۴) تمرین (۰/۸۱) هدفمندی (۰/۸۲) به دست آمده است.
نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه گریت در شرایط کنونی EFL در ایران ابزاری معتبر، با روایی بالا برای کاربرد در پژوهش‌های آموزشی، زبان‌شناختی و روان‌زبان‌شناسی است.

کلیدواژه‌ها: گریت، یادگیری، سنجش، اعتبارسنجی.

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه رازی
 ۲. استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه رازی
 ۳. دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه رازی
- * نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

مسائل آموزش و یادگیری همیشه دغدغه بسیاری از مربیان در سراسر جهان بوده است. تئوری‌های مختلف یادگیری و روش‌های تدریس به منظور بهبود یادگیری و رفع موانع آموزشی تدوین و اجرا شده‌اند. مربیان، معلمان حرفه‌ای و طراحان برنامه‌های درسی در زمینه یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم و یا زبان خارجی^۱ علاقه‌مند به بررسی تأثیر بسیاری از عوامل مانند متغیرهای شناختی، عاطفی و فرهنگی در فرایند یادگیری و آزمون زبان خارجی و نقش آنها در یادگیری زبان‌آموز می‌باشند. عوامل متعددی مانند هوش و دانش علمی وجود دارد که نقش مهمی در این امر ایفا می‌کنند. با این حال، موفق‌ترین زبان‌آموزان، از مجموعه ویژه‌ای از توانمندی‌ها، همانند "گریت"^۲ برخوردارند که آن‌ها را در راه دستیابی به پتانسیل کاملی که زبان‌آموز داشته می‌رسانند (مولر^۳ و کاتالانو^۴، ۲۰۱۵).

گریت^۴ که به معنای پشتکار و اشتیاق در دستیابی به اهداف بلندمدت است با عادات مطالعه بهتر، نمره‌های بالاتر و پشتکار در شرایط چالش‌برانگیز تحصیلی مرتبط می‌باشد. گریت مرتبط به تمرکز بر یک هدف واحد و کار سخت برای دستیابی به آن در طی مدت زمان طولانی، علی‌رغم شکست، ناراحتی و محرومیت است (داک‌ورث، پیترسون^۵، متیوز^۶ و کلی^۷، ۲۰۱۷). بر طبق نظر داک‌ورث و کوین^۸ (۲۰۰۹)، گریت دارای دو بعد "مداومت در تلاش که به معنای تلاش سخت در راستای دستیابی به هدف با وجود موانع پیش روست" و "مداومت در علاقه که به معنی تعهد خلل‌ناپذیر برای دستیابی به یک هدف بدون تأثیر پذیرفتن از یک هدف یا پروژه جدید می‌باشد" است (صفحه ۱۰۸۷).

واینیو^۹ و داک‌داوکانتیت^{۱۰} (۲۰۱۵) ادعان می‌دارند که گریت به معنای پیگیری یک هدف مشخص علی‌رغم وجود مشکلات و شکست‌های سخت برای یک دوره زمانی می‌باشد. این مفهوم برای نخستین بار پس از بررسی معیارهای اصلی متمایزکننده افراد بسیار موفق و شایسته از دیگر افراد معرفی شد. معلوم شده است که فقط فاکتور هوش (IQ) یا استعداد نمی‌تواند تفاوت بین افراد موفق و دیگران را توضیح دهد، بلکه تلاش و میل مستمر برای دستیابی به چیزی می‌تواند معیار تعیین‌کننده‌ای باشد (داک‌ورث و همکاران، ۲۰۰۷). گریت یک ویژگی آینده‌محور و طولانی‌مدت

-
1. EFL
 2. Moeller
 3. Catalano
 4. Grit
 5. Peterson
 6. Matthews
 7. Kelly
 8. Quinn
 9. Vainio
 10. Daukantait

است که میزان بالای آن می‌تواند موفقیت فرد را در موارد مختلف زندگی پیش‌بینی و تضمین کند. افراد با گریت بالا به اهداف خود متعهدتر بوده و اهداف بسیار مهم را در بازه‌های زمانی طولانی‌تر و انتزاعی پیگیری می‌کنند. شایان ذکر است که این افراد توانایی مدیریت شخصی را در پیگیری اهداف انتزاعی بلندمدت در آینده داشته و مشتاق به برآورده کردن اهداف منتخب خود می‌باشند. بایستی این نکته را خاطر نشان کرد که افراد با گریت بالا همانند "شرکت‌کنندگان در یک ماراتن برای دسترسی به اهدافشان تلاش‌های بسیار می‌کنند (داک ورت و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۰۸۸)".

تنها ابزار سنجش گریت، پرسشنامه گریت می‌باشد که توسط داک‌ورث و همکاران در سال ۲۰۰۷ تدوین شده است. گروه پژوهشی داک‌ورث یک ساختار دوعاملی را برای گریت گزارش کرده‌اند که از مداومت در تلاش و علاقه‌مندی تشکیل شده است. نخستین عامل علاقه است که می‌تواند به‌عنوان نقطه شروع انگیزشی هدف را معنادارتر کرده و به بهبود خوش‌بینی فرد کمک کند و دومین عامل شبیه مقاومت است و تصور می‌شود که فرد را درگیر کرده و به حرکت رو به جلوی او در مقابل مشکلات کمک می‌رساند (وان کالین^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). هر یک از این مقیاس‌های اصلی از چندین سؤال (آیتم) تشکیل شده‌اند. این پرسشنامه در مطالعات متعددی به‌عنوان یک مقیاس معتبر و قابل‌اعتماد برای سنجش گریت استفاده شده است. درک ساختار روانشناختی گریت چشم‌انداز جدیدی را در خصوص عملکرد آکادمیک زبان‌آموزان در محیط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در اختیار مدیران آموزش عالی قرار خواهد داد. اگر بتوان گریت را در رویکردها و روش‌های آموزشی متفاوت در یادگیری زبان به‌کار گرفت، به‌دلیل این‌که علت ترک زبان‌آموزی بسیاری از زبان‌آموزان فقدان گریت می‌باشد، تأثیر آن بسیار شگفت‌انگیز و قابل‌ملاحظه خواهد بود. اگر میزان گریت زبان‌آموزان افزایش یابد، در بلندمدت به علت این‌که زبان‌آموزان یادگیری را تا رسیدن به سطح مطلوب به اتمام رسانده و به‌طور مداوم آن را ترک و دوباره شروع نمی‌کنند موجب کاهش هزینه‌های یادگیری آموزش زبان خواهد شد. علاوه بر این، محققان بر این باورند که در صورت به‌کارگیری گریت در شرایط یادگیری زبان انگلیسی، شرایط یادگیری بسیار پویاتر و سودمندتر خواهد شد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد برای سنجش میزان گریت زبان‌آموزان ایرانی در یادگیری زبان انگلیسی، تاکنون هیچ پرسشنامه‌ای تدوین و اعتبارسنجی^۲ نشده است و به‌منظور سنجش و اندازه‌گیری میزان گریت که می‌تواند برای مدرسان و طراحان کتاب‌های درسی به‌منظور تدوین راهبردهای سودمند و قابل‌اعتماد در دوره‌های آموزشی‌شان سودمند باشد، تدوین این پرسشنامه ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت مفهوم گریت در آموزش زبان انگلیسی به علت وجود نداشتن هیچ سنج‌های برای ارزیابی آن به‌صورت عملیاتی تعریف نشده است؛ بنابراین تدوین پرسشنامه‌ای

1. Von Culin

2. validation

برای سنجش گریت شکاف موجود در سنجش این مفهوم را از بین برده و می‌تواند نقطه شروع خوبی برای محققان به‌منظور تدوین پرسشنامه گریت برای شرایط یادگیری متفاوت باشد. طبق نظر جانسون و جانسون^۱ (۱۹۹۹)، زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی اشاره به تدریس یا یادگیری یک زبان غیربومی خارج از محیطی است که معمولاً استفاده می‌شود؛ بنابراین در یادگیری یک زبان به‌صورت ایده‌آل بایستی تمرکز خاص، پشتکار، علاقه‌مندی و تمرین کافی موجود باشد. اولویت اصلی در آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی تنها تدریس مطلب نیست، بلکه در نظر گرفتن هر یک از زبان‌آموزان به‌عنوان یک فرد ویژه می‌باشد. در نظر گرفتن میزان گریت زبان‌آموزان و توجه به تلاش زبان‌آموزان به‌عنوان عامل دخیل در موفقیت آنان می‌تواند نقش شایانی در تقویت زبان‌آموزی آنان داشته باشد.

از پرسشنامه گریت که توسط داکورث و همکارانش (۲۰۰۷) تهیه شده است در مطالعات مختلف به‌عنوان مقیاس معتبر و قابل‌اعتماد برای سنجش گریت استفاده می‌شود؛ اما این پرسشنامه هرگز در مورد زبان‌آموزان ایرانی مصداق نداشته است. تدوین مجدد پرسشنامه گریت می‌تواند به ترسیم چشم‌انداز جامع از آن در جامعه ایران کمک کند. همچنین مصاحبه با کارشناسان حوزه روان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی به‌عنوان یک ابزار کیفی می‌تواند به‌منظور کسب جزئیات بیشتر از عناصر تشکیل‌دهنده گریت، نزد زبان‌آموزان ایرانی و بهبود دیگر عوامل مرتبط مورد استفاده قرار گیرد.

گریت در دانشجویان می‌تواند از طریق مداخله راهبردهای یادگیری، حمایت دانشگاهی، تجربیات کلاسی و آموزشی و غیره توسعه یابد. این تحقیق به معلمان و مدیران کمک شایانی می‌کند تا گریت را مورد توجه قرار دهند و ارزش تلاش در جهت پیشرفت را در مقایسه با اهمیت دادن صرف به درجات و نمرات دوچندان کنند. این تحقیق تأثیرات مستقیمی بر روی کار مؤسسات علمی و پژوهشگران خواهد داشت. امید است نتایج تحقیق به افزایش آگاهی و بینش معلمان و مدیران آموزشی بیانجامد تا از این طریق راهبردها و ابزارهایی در راستای ایجاد محیطی در کلاس که به تقویت پشتکار منجر می‌شود طراحی و ساخته شود.

به‌طور کلی برخلاف نقش مهم گریت در موفقیت علمی دانشجو درباره این مسأله به اندازه کافی مطالعه نگرفته است؛ بنابراین درک نقش گریت، ذره‌بین دقیق‌تری را برای مدیران آموزشی در بررسی عملکرد علمی دانش‌آموزان فراهم می‌کند. مطالعه حاضر به‌منظور از بین بردن شکاف ذکر شده در بالا و ایجاد تصویر بهتری از عوامل دخیل در گریت برای یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، مشخص کردن دیگر عوامل مرتبط به گریت و ایجاد شواهدی برای اعتبارسنجی داده‌های کمی می‌باشد. تدوین پرسشنامه گریت برای زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی نقش مهمی در بررسی شرایط آموزشی تدریس آن در ایران دارد. مصاحبه کردن با چندین زبان‌آموز با

سطوح مختلف مهارتی و مدرسان و متخصصان آموزش زبان انگلیسی و زبانشناسی کاربردی ابزار کیفی مجمل و کاملی را برای سنجش مفهوم گریت در یادگیری زبان انگلیسی فراهم خواهد کرد. این مطالعه نقش ارزشمندی برای مدرسان و مدیران آموزش عالی برای بیشتر اهمیت قائل شدن در خصوص مقوله گریت و تقویت ارزش پشتکار فراتر از تأکید صرف بر روی نمرات خواهد داشت. امید است که نتایج حاصله از این مطالعه، چشم‌انداز دقیق و سودمندی را برای مدرسان و مدیران آموزش عالی به منظور طراحی ابزار و راهبردهایی جهت استفاده عملیاتی از گریت در محیط یادگیری کلاس زبان انگلیسی در پی داشته باشد. بخش‌های پیش‌رو، پیش‌زمینه‌ای را در مورد مفهوم گریت و جزئیات تدوین و اعتبارسنجی پرسشنامه گریت برای زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی ارائه خواهد داد.

مدرسان و محققان آموزش زبان از نتایج این مطالعه بهره خواهند برد. اگر ویژگی گریت به‌عنوان یک عامل تسهیل‌گر در نظر گرفته شود، مشخص کردن ویژگی‌های آن نقش بسیار مهمی را در یادگیری زبان انگلیسی ایفا خواهد کرد و به مدرسان زبان انگلیسی برای تدوین برخی تکنیک‌های آموزش زبان انگلیسی با استفاده از مفهوم گریت و داشتن فعالیت‌هایی برای تقویت آن کمک خواهد کرد. علاوه بر این، اگر گریت عامل مهمی در موفقیت زبان‌آموزان در آزمون‌های استاندارد متفاوت همانند تافل در نظر گرفته شود، بررسی ویژگی‌های این عامل شخصیتی می‌تواند به مدرسان در راستای تدوین تکنیک‌های سودمند تست‌زنی یاری رساند.

مطالعه حاضر یک گام رو به جلو در راستای محقق ساختن تدوین یک پرسشنامه معتبر برای تدوین ابزاری برای سنجش گریت در زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی با استفاده از آیتم‌هایی است که منعکس‌کننده شرایط متفاوت در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی از طریق نوشتن سناریوهای مرتبط می‌باشد.

بنابه نظر داکورث و همکاران (۲۰۰۷)، گریت عموماً به‌عنوان یک ساختار تشکیل شده از دو زیرمجموعه با عنوان‌های مداومت در تلاش^۱ و علاقه مداوم و بسیار داشتن^۲ می‌باشد. مداومت در تلاش به تمایل موجود برای سخت کار کردن با وجود مشکلات و علاقه مداوم و بسیار داشتن و تمایل برای تغییر ندادن مداوم علایق و اهداف اشاره دارد. این ویژگی‌ها نقش مهمی را در موفقیت ایفا می‌کنند. تیم تحقیقاتی خانم داکورث متشکل از "پیترسون، ماتئو و کلی" به‌عنوان حامیان مفهوم گریت به‌عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت، این‌گونه استدلال می‌کنند که تفاوت‌های موجود در میزان گریت افراد توصیف‌کننده این واقعیت است که چرا دو فرد با توانایی‌های مشابه در یک رشته خاص عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌دهند. مطالعه حاضر به این نتیجه‌گیری رسیده

1. perseverance of effort
2. consistency of interest

است که گریت در یادگیری زبان انگلیسی متشکل از عواملی مانند "پشتکار"، "علاقه‌مندی فراوان"، "تمرین و ممارست فراوان" و "هدفمندی" می‌باشد که در ادامه به تفصیل بررسی خواهند شد.

پشتکار

بنابر اعتقاد داکورث و همکاران (۲۰۰۷)، پشتکار مهم‌ترین عامل در گریت محسوب می‌شود. بسیاری از ادبیات مرتبط در زمینه گریت راجع به پشتکار و ثبات در نظرات، افکار و اعتقادات می‌باشد. آسینبرگر^۱ و لئونارد^۲ (۱۹۹۲)، پشتکار را با عنوان تمایل برای مداومت و از پای ننشستن در مقابل سختی‌ها و شکست‌ها توصیف کرده‌اند. همچنین این‌گونه پیشنهاد داده شده است که پشتکار بر روی عملکردها، تاب‌آوری و سطح تلاش‌های فرد، به هنگام مواجهه با شکست‌ها و مشکلات در شرایط مختلف زندگی، تأثیرگذار است.

علاقه‌مندی فراوان

کریر لیون^۳ (۲۰۱۴)، علاقه‌مندی فراوان را به‌عنوان سنگ بنای گریت در نظر گرفته است. طبق نظر جانسون و ایندویک^۴ (۱۹۹۷)، به‌منظور موفقیت یک سازمان وجود کارکنانی که تعهد و علاقه‌مندی فراوان در شغلشان داشته باشند بسیار ضروری است. بارساد^۵ و گیبسون^۶ (۲۰۰۷) خاطر نشان ساختند که اخیراً توجه فراوانی به هوش احساسی کارمندان که به معنای توانایی کنترل احساسات فردی و اجتماعی برای هدایت اعمال و تفکرات است، شده است.

تمرین فراوان (عامدانه)

دستیابی به موفقیت تنها از طریق سخت کار کردن به‌دست نمی‌آید. اریکسون و چارنس^۷ (۱۹۹۴)، این‌گونه پیشنهاد داده‌اند که نه تنها سخت‌کوشی فرد بلکه چگونگی کار کردن او نیز بر روی توانایی‌های او در راستای دستیابی به موفقیت تأثیرگذار است. آنها همچنین تمرین عامدانه را به‌عنوان فعالیت‌های آموزشی یا تربیتی که متمایزکننده یادگیرندگان بسیار مسلط از یادگیرندگانی با تسلط پایین بوده و به‌طور ویژه مرتبط به عملکرد بهتر می‌باشد، توصیف کرده‌اند.

هدفمندی

طبق نظر لاک^۸ و همکاران (۱۹۸۱)، اصطلاح هدف به‌عنوان دستیابی به استاندارد مشخصی از مهارت‌ها در فعالیتی که عموماً در یک بازه زمانی خاص رخ می‌دهد، به کار برده می‌شود. آن‌ها همچنین این نکته را بیان می‌کنند که افرادی که اهداف مشخص برای انجام کاری دارند در مقایسه با افرادی که تنها از آن‌ها خواسته شده است که یک فعالیت را انجام دهند، بیشتر تلاش می‌کنند.

1. Eisenberger
2. Leonard
3. Carrier Lyon
4. Indvik
5. Barsade
6. Gibson
7. Charness
8. Locke

تاکنون تنها تعداد محدودی مطالعه و تحقیق درباره مفهوم گریت انجام شده و اکثر آنها نیز توسط خانم داکورث و گروه پژوهشی وی (پیترسون، متیو و کلی) صورت گرفته است. در مطالعات اولیه، این گروه تحقیقاتی با استفاده از یک لینک در وبگاه (www.authentic happiness.org) به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و از شرکت‌کنندگان بزرگسال دعوت کرده‌اند فرم نظرسنجی مقیاس گریت را تکمیل کرده و درباره موفقیت‌های آموزشی خود توضیح دهند. پس از یک سال، داکورث و همکارانش به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از میان ۱۵۴۵ شرکت‌کننده با طیف سنی ۲۵ سال و بالاتر که ۷۳ درصدشان زن و ۲۷ درصد مابقی مرد بودند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که افراد دارای تحصیلات بیشتر در قیاس با افراد کم‌سوادتر هم‌سن خود امتیاز بیشتری از مقیاس گریت کسب می‌نمایند. نتایج حاصله موجب تقویت این نظریه شد که گریت هم‌زمان با افزایش سن افزایش می‌یابد و تجربیات در این رشد نقش دارند. همچنین گریت در تکمیل مدارج بالاتر تحصیلی نیز مؤثر است.

در تحقیق مشابهی تیم خانم داکورث بر روی دستاوردهای آموزشی و سن کارکرد؛ اما در آن متغیرهای کنترل را نیز از فاکتورهای پنج‌گانه شخصیتی بزرگ^۱ برای تعیین این‌که آیا گریت بر اعتبار افزایش قابل پیش‌بینی بر روی صفات شخصیتی پنج‌گانه و فراتر از آن می‌افزاید یا خیر انتخاب نمود. طبق نتایج نسبت گریت به آگاهی و شعور (وجدان) برابر با $r=0/77$ شد که بسیار بیشتر از دیگر صفات نوروتیک (عصبی) شامل اظهار موافقت، برون‌گرایی و تمایل به تجربه بود. نتایج مطالعه همچنین نشان داد که دانشجویانی که تنها مراحل اولیه از کالج را پشت سر گذاشته‌اند، دارای گریت کمتری نسبت به آنهایی که به‌طور کامل تا کسب مدرک پیش رفته‌اند می‌باشند.

پس از تعیین نسبت میان گریت، سن و موفقیت‌های تحصیلی، تیم تحقیقاتی به رهبری داکورث سعی کرد مشخص کند که آیا گریت می‌تواند میانگین مجموع نمرات دانشجویان دانشگاه پنسیلوانیا^۲ را پیش‌بینی کند. شرکت‌کنندگان در این تحقیق ۱۳۴ دانشجوی رشته روان‌شناسی بودند. نتیجه این مطالعه این شد که عملکرد دانشجویان دارای گریت بهتر از سایرین است.

در مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۷ انجام شد ۱۷۵ نفر از ۲۷۲ فینالیست در مسابقه ملی هجی کردن کلمات^۳ شرکت کردند تا معلوم شود آیا گریت می‌تواند موفقیت را در این مسابقه دیکته شفاهی که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد برای رسیدن به مرحله پایانی پیش‌بینی کند. چندین شاخص سنجش و اندازه‌گیری برای شرکت‌کنندگان به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که گریت و سن، میزان پیشروی و رسیدن به مراحل بالاتر را در مسابقه املاي شفاهی پیش‌بینی کرده‌اند. تیم تحقیقاتی نتیجه گرفت که شرکت‌کنندگانی که امتیاز بیشتری در گریت گرفتند بیشتر و طولانی‌تر از دیگر رقیبان خود تلاش و تمرین کرده‌اند و بنابراین در مسابقه عملکرد بهتری را از خود ثبت می‌نمایند.

1. Big Five Personality Factors
2. Pennsylvania University
3. Scripps National Spelling Bee

با توجه به موارد ذکر شده در بالا، به‌طور کلی می‌توان گفت تحقیقات درباره گریت هنوز در ابتدای راه قرار دارد و کارهای زیادی باقی مانده تا ساز و کارهای پنهان روان‌شناختی گریت روشن شود. در خصوص تحقیق حاضر تا آنجایی که اطلاعات گردآوری شده است، نشان از آن دارد که تحقیق مشابه با آن در ایران و دیگر کشورها صورت نگرفته است؛ بنابراین با توجه به اهمیت گریت برای یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، پژوهش حاضر درصدد است تا پرسشنامه‌ای را با هدف سنجش میزان گریت زبان‌آموزان در شرایط آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی طراحی و اعتباریابی نماید. بدین‌منظور مقاله حاضر در جهت پاسخ به این سؤالات است که ساختار عاملی پرسشنامه از چه مقیاس‌هایی شکل گرفته و این که پرسشنامه EFL Grit و مقیاس‌های آن از روایی و پایایی مناسب و قابل‌قبولی برخوردار است یا خیر.

۲. روش پژوهش

روش این پژوهش با توجه به اهداف آن توصیفی می‌باشد. هدف اصلی این مطالعه بررسی و یافتن دیگر عوامل مرتبط به گریت و تدوین و اعتبارسنجی پرسشنامه جدیدی برای ارزیابی گریت در شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در ایران^۱ می‌باشد. بنا به نظر براون^۲ و دورنیه^۳ (۲۰۰۳) و با استفاده از فرآیندهای استاندارد برای تدوین یک پرسشنامه معتبر، بررسی جامع از مطالعات مرتبط برای بررسی هرگونه مدل موجود یا اجزای آن انجام شد و هیچ‌گونه اطلاعاتی در این خصوص به‌دست نیامد. برای تدوین پرسشنامه EFL Grit، پرسشنامه پشتکار داکورث و همکاران (۲۰۰۷) مورد بررسی قرار گرفته و در همین راستا مصاحبه‌های ساختارمند و نیمه‌ساختارمند با اساتید رشته‌های زبان‌شناسی کاربردی و روانشناسی و زبان‌آموزان با سطوح آموزشی مختلف انجام شد. شرکت‌کنندگان در این مطالعه ۱۰ مدرس آموزش زبان انگلیسی، دارای مدرک تحصیلی لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری در رشته‌های مرتبط به زبان انگلیسی بوده و به‌طور متوسط سابقه ۳ سال تدریس در مؤسسات زبان و دانشگاه‌های استان همدان را داشته‌اند. سه نفر از این اساتید مرد و مابقی زن بوده‌اند و شرکت‌کنندگان در طیف سنی ۴۵-۲۶ سال قرار داشتند. علاوه‌بر این افراد، ۲۰ زبان‌آموز از گروه‌های سنی و سطوح مهارتی متفاوت (مقدماتی، دوره قبل از متوسطه، متوسطه و دوره بعد از متوسطه) که در مؤسسات زبان شهرهای همدان و تهران در حال آموختن زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی بودند برای این مطالعه انتخاب شده‌اند. طیف سنی آن‌ها از ۱۵-۳۵ سال بود و از هر یک از سطوح آموزشی، ۵ نفر زبان‌آموز انتخاب صورت گرفته است. ابتدا مصاحبه‌کنندگان با مصاحبه‌شوندگان جلساتی را به‌منظور آشنایی با مفهوم گریت به همراه پخش کلیپ‌های ویدئویی برگزار کردند و مصاحبه‌شوندگان قبل از مصاحبه با اهداف مطالعه آشنا

1. EFL Grit
2. Brown
3. Dornyei

شدند. در هنگام انجام مصاحبه، سؤالات به گونه‌ای طراحی شده بود که توجه پاسخ‌دهندگان را بر روی هر دو بعد اصلی و خاص گریت (پشتکار و علاقه‌مندی فراوان) متمرکز نماید. با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان، ۱۰ مصاحبه نیمه‌ساختارمند بر پایه ۷ سؤال باز برای مدرسان زبان انگلیسی و ۲۰ مصاحبه نیمه‌ساختارمند بر پایه ۸ سؤال باز برای زبان‌آموزان ضبط شد. بنا به میزان اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان مصاحبه‌ها، بین ۳۵-۲۵ دقیقه طول کشید. سؤالات مصاحبه در زمینه مفهوم گریت، ویژگی‌های افراد دارای گریت بالا در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، فاکتورها یا عوامل مؤثر در گریت و نظرات کلی راجع به EFL Grit بود. برای بررسی نظرات شرکت‌کنندگان در خصوص EFL Grit، مصاحبه‌های رو در رو فردی انجام شد. روش مصاحبه انتخاب شده برای این مطالعه روش مصاحبه کیفی^۱ بود. این روش بر پایه مکالمه با تأکید بر پرسش سؤالات و گوش فرادادن محقق و پاسخگویی سؤالات توسط مصاحبه‌شوندگان است (روبین و روبین^۲، ۱۹۹۵: ۸۳). در این روش مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان منابع ایجاد مفاهیم و معانی و نه به‌عنوان پاسخگوی صرف به سؤالات مصاحبه‌کننده در نظر گرفته می‌شوند (هولشتاین^۳ و گوبریوم^۴، ۱۹۹۵). در این مطالعه از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند که در آن کل فرآیند مصاحبه از مرحله بسیار ساختارمند تا مرحله بسیار بی‌ساختار متغیر است و در آن سؤالات از قبل تعیین شده لزوماً به ترتیب پرسیده نمی‌شوند بلکه از ساختار منعطفی برخوردارند استفاده شده است. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ساختار مشخصی نداشته و در طول جلسه مصاحبه این امکان برای مصاحبه‌شوندگان فراهم بود که هر طور که مایلند و در فضای غیررسمی به سؤالات پاسخگو باشند (فلیکس^۵، ۱۹۹۸). تمام مصاحبه‌ها ضبط شده و طبق روش تحلیل محتوا، رونویسی، تحلیل، کدبندی و طبقه‌بندی شده‌اند. در این مرحله از مطالعه، روش تحلیل مفاهیم^۶ برای تحلیل رونوشت مصاحبه^۷ به‌کار گرفته شده است. قسمت‌های دارای اهمیت کمتر حذف شده و محققان طبقه‌بندی‌هایی را با توجه پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ایجاد کردند و سپس بخش‌های مرتبط در زیرمجموعه مقیاس‌های اصلی دسته‌بندی شدند. برای تضمین اعتبار داده‌ها، رونوشت مصاحبه‌ها بیش از یک بار بررسی شده، متون دارای اهمیت نشانه‌گذاری شده و بر طبق مقیاس‌های مشخص گروه‌بندی و طبقه‌بندی شده‌اند. موضوعات مورد اختلاف در مقیاس‌بندی رونوشت مصاحبه دوباره بازبینی شده و محققان در خصوص آن تفکر و تأمل نموده‌اند. از طریق فرآیند کاهش انتخابی رونوشت مصاحبه، محققان به تعداد مشخصی از واحدهای معنادار اطلاعات که تشکیل‌دهنده فهرست کامل محتواهای مهم موجود در متن بود، دست یافتند. علت استفاده از روش تحلیل محتوا

1. qualitative interviewing
2. Rubin & Rubin
3. Holstin
4. Gubrium
5. Flicks
6. content analysis
7. interview transcripts

برای تحلیل داده‌ها علی‌رغم وجود روش‌های مختلف برای تحلیل داده‌ها در روش‌های کیفی، این است که این روش قادر به ایجاد ساختار دقیقی برای تحلیل داده‌ها در روش‌های توصیفی می‌باشد و به این دلیل نسبت به روش‌های مشابه برتری نسبی دارد. طبق نظر بوشا^۱ و هارتر^۲ (۱۹۸۰)، دو طبقه‌بندی اصلی از تحلیل محتوا با نام‌های "تحلیل مضمونی"^۳ و "تحلیل نسبی"^۴ وجود دارد. در تحلیل مفهومی، تعدد مفاهیم متفاوت در یک متن فاکتوربندی و دسته‌بندی می‌شود، درحالی‌که در تحلیل نسبی به ارتباط بین مفاهیم توجه بیشتری می‌شود. مطالعه پیش رو از روش تحلیل مفهومی استفاده می‌کند، لذا یک مفهوم با تعدد بالا انتخاب شده و میزان تکرار آن ثبت می‌شود. پس از بررسی مراحل و فرآیندهایی که توضیح داده شد، محققان به چهار دسته‌بندی یا مقیاس اصلی دست یافتند.

در مطالعه حاضر از فرآیند کاهش داده‌ها برای ایجاد الگوهای جامعی برای استفاده در تحلیل داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌های ساختارمند و نیمه‌ساختارمند استفاده شده و بر پایه این طبقه‌بندی، چهار مقیاس برای تدوین پرسشنامه EFL Grit یافت شده است. از طریق بررسی پیشینه ادبیات نظری موجود و با اشاره به نظرات متخصصان آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، ساختارهای اصلی مشخص شده و آیتم‌های مرتبط به هر یک آماده شدند. چهار مقیاس اصلی به‌دست آمده عبارتند از:

پشتکار: سخت تلاش کردن در راه یادگیری زبان انگلیسی^۵

علاقه‌مندی: داشتن علاقه فراوان به یادگیری زبان انگلیسی^۶

تمرین عامدانه: تمرین فراوان برای یادگیری زبان انگلیسی^۷

هدفمندی: داشتن هدف دقیق و مشخص برای یادگیری زبان انگلیسی^۸

در خصوص دسته‌بندی و طبقه‌بندی مقیاس‌های استخراج شده ذکر این نکته ضروری است که مقیاس‌ها براساس تعددشان استخراج شدند و مقیاس‌هایی که تعداد تکرارشان پایین بود حذف شدند. مقیاس‌های استخراج شده بر مبنای پیشینه پژوهش و مدل‌های نظری ایجاد شده و پایه تدوین و آماده‌سازی یک پرسشنامه مبتنی بر سناریوی ۲۶ عددی که (که ۱۱ عدد از آنها به‌طور معکوس نمره‌دهی می‌شوند) گردیده است. هر سؤال مبتنی بر سناریو در چند خط موقعیت مشخصی را در شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی توصیف می‌کرد و شبیه‌سازی را در خصوص موقعیت‌های EFL ایجاد می‌نمود و از زبان‌آموزان خواسته می‌شد که بر پایه مقیاس

1. Busha

2. Harter

3. Conceptual Analysis

4. Relational Analysis

5. Trying hard to learn English (THLE)

6. Having interest in learning English (ILE)

7. Practicing a lot in order to learn English (PLE)

8. Having goal for learning English (HGLE)

لیکرت از شماره ۱ تا ۵ میزانی که آن شرایط با وضعیت زبان‌آموزی آنها تطابق داشت را انتخاب نمایند. در سؤالات یاد شده برای حفظ هویت زبان‌آموزان اسامی مستعار انتخاب شده است. مدل پیشنهادی همراه با آیتم‌های تدوین شده توسط ۴ متخصص زبان انگلیسی و ۵ نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه که پذیرفته بودند پرسشنامه را بررسی تحلیلی کنند، وارد فرآیند ارزیابی یا کاهش (سؤال‌ها) آیتم‌ها شد. در حقیقت هدف محققان در این مرحله کسب نظرات حرفه‌ای در خصوص اجزای تشکیل‌دهنده این مدل و استفاده از قضاوت‌های تخصصی متخصصان در خصوص وضوح، کارایی، قابل‌خواندن بودن و حذف آیتم‌های غیرمرتبط به پرسشنامه بود (دورنیه، ۲۰۰۳). بررسی پرسشنامه توسط متخصصان باعث شد که مدل از لحاظ ساختاری، محتوا و قابل‌خواندن بودن اصلاح شده و برخی آیتم‌های اضافه نیز حذف گردند. علاوه بر این براساس نظرات متخصصان تغییراتی هم در آیتم‌ها صورت پذیرفت و پرسشنامه برای ورود به مرحله اعتبارسنجی آماده شد. محققان همچنین آیتم‌ها را براساس میزان ارتباطشان با مقیاس‌های مرتبط دسته‌بندی کردند. بیست و شش عدد آیتم مبتنی بر سناریو (۶ آیتم برای هر مقیاس به علاوه ۲ آیتم اضافی برای مقیاس‌های اول و سوم) بر پایه تعدادی که هر آیتم توسط متخصصان مرتبط انتخاب شد، تدوین گشت.

در مرحله بعد براساس پیروی از دستورالعمل‌های استاندارد برای تدوین پرسشنامه (براون، ۲۰۰۱ و دورنیه، ۲۰۰۳)، مقیاس پنج‌گانه لیکرت که دارای طیف "هرگز راجع به من صدق نمی‌کند" تا "همیشه راجع به من صدق می‌کند" برای ارزیابی نظرات زبان‌آموزان در خصوص EFL Grit به کار گرفته شد. هنگامی که پیش‌نویس اولیه پرسشنامه آماده شد، دو استاد زبان‌شناسی کاربردی با پیشینه آموزش مدرسان زبان انگلیسی متن پرسشنامه را بازخوانی و ویرایش کردند و ارزیابی آن‌ها منجر به تغییراتی در جمله‌بندی آیتم‌ها شد.

پس از تدوین پرسشنامه جدید گزیت برای زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی که اطلاعات مربوط به تدوین آن در ادامه خواهد آمد، تعداد ۴۰ نفر زبان‌آموز با سطوح مختلف آموزشی در پایلوت کردن پرسشنامه حضور پیدا کردند. طی این آزمون، زمان مورد نیاز برای تکمیل پرسشنامه نیز تخمین زده شد. نتایج این آزمون در نرم‌افزار SPSS 23 برای چک پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ^۱ وارد شد و عدد ۰/۷۹ به دست آمد. به‌منظور ساخت پرسشنامه گزیت برای شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی و دستیابی به عامل‌های معتبر، نمونه‌ها باید معرف باشند اما در خصوص حجم نمونه‌های لازم برای تحلیل عامل توافقی وجود ندارد (یارمحمدی‌واصل و دیگران، ۱۳۸۹). حجم نمونه‌ی ۱۰۰ نفری برای تحلیل عاملی ضعیف، ۲۰۰ نفری نسبتاً مناسب، ۳۰۰ نفری خوب، ۵۰۰ نفری خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفر عالی است (کامری، ۱۹۷۳؛ به نقل از یارمحمدی‌واصل و دیگران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، در مرحله نهایی اعتبارسنجی پرسشنامه در این مطالعه، ۳۰۶ زبان‌آموز با

1. Cronbach's Alpha

گروه‌های سنی و سطوح آموزشی متفاوت در این مطالعه شرکت کردند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به آیت‌های پرسشنامه برای تحلیل وارد نرم‌افزارهای Mplus و Spss 23 شد. برای چک پایایی ساختار پرسشنامه، تحلیل عامل که شامل تحلیل‌های اکتشافی و تأییدی می‌باشد، اجرا شده که نتایج آن در بخش بعدی ارائه و توضیح داده می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

پرسشنامه EFL Grit در دو مرحله برای سنجش انسجام داخلی و پایایی فاکتورها توزیع و پاسخ داده شد. هدف تحلیل عامل تشخیص ارتباط‌های پایه در بین مجموعه متغیرهای اندازه‌گیری شده است. تحلیل عامل در دو مرحله انجام شد: تحلیل عامل اکتشافی^۱ و تحلیل عامل تأییدی^۲. طبق نظر پالانت^۳ (۲۰۱۱)، تحلیل عامل اکتشافی به منظور تدوین پرسشنامه که مجموعه‌ای از آیت‌ها در آن به‌منظور سنجش یک موضوع خاص قرار گرفته‌اند استفاده می‌شود. تحلیل عامل اکتشافی در مطالعات تحقیقاتی که در آن هیچ‌گونه پیش‌فرضی در خصوص فاکتورها یا الگوهای متغیرهای سنجش وجود ندارد برای تشخیص ساختارهای پنهان^۴ که مرتبط به مجموعه‌ای از متغیرهای سنجشی می‌باشد، استفاده می‌شود.

هدف تحلیل عامل تأییدی تشخیص وجود تناسب بین مقیاس‌ها و مدل فرضی سنجش است که معمولاً بر پایه مطالعات پیشین و یا نظریات خاص می‌باشد. اطلاعات به‌دست آمده از ۳۰۶ نسخه از پرسشنامه وارد نرم‌افزارهای Mplus و SPSS 23 برای چک ثبات و تناسب داخلی بین آیت‌ها شد. ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و میزان ۰/۸۳۳ برای ۲۶ آیت که میزان بسیار بالایی در آمار محسوب می‌شود به‌دست آمد (جدول ۲).

جدول ۱: میزان پایایی

تعداد آیت‌ها	آلفای کرونباخ
۱۶	۰/۸۳۳

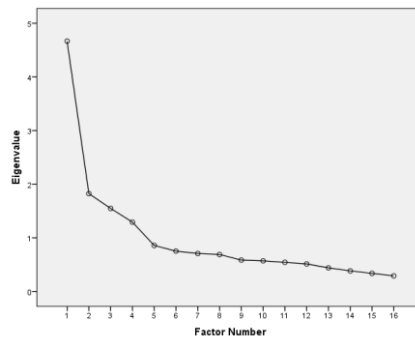
منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

برای تک‌تک مقیاس‌ها نیز ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای مقیاس اول (تلاش) که متشکل از شش سؤال بود، ضریب ۰/۷۸۲، برای مقیاس دوم (علاقه‌مندی) که ۷ آیت بعدی بود ضریب پایایی بالاتری به میزان ۰/۸۴۳ محاسبه شد. برای مقیاس سوم (تمرین)، ضریب ۰/۸۱۲ و برای مقیاس آخر (هدفمندی) ضریب ۰/۸۲۴ به‌دست آمد.

1. Exploratory Factor Analysis (EFA)
2. Confirmatory Factor Analysis (CFA)
3. Pallant
4. latent constructs

۳-۱. تحلیل عامل اکتشافی

تحلیل عامل اکتشافی به منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه استفاده شد. قبل از تحلیل عامل اکتشافی، فاکتورپذیری ماتریس همبستگی^۱ با استفاده از دو مقیاس تست کرویت بارتلت^۲ و کفایت نمونه برداری کایسر میراولکین^۳ ارزیابی شد. به منظور فاکتورپذیر بودن ماتریس همبستگی، تست بارتلت بایستی معنادار بوده باشد و مقیاس KMO بایستی حداقل ۰/۶۰ باشد (پالانت، ۲۰۱۶). بررسی مقیاس‌های پرسشنامه حاضر نشان داد که تست کرویت بارتلت- به میزان $p \leq 0.001$ معنادار است و مقیاس KMO به میزان ۰/۸۲ و بالاتر از سطح ۰/۶ می‌باشد و لذا داده‌ها برای تحلیل عامل اکتشافی سودمند می‌باشد.



نمودار ۱: اسکری پلات داده‌های موجود

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

به منظور استخراج فاکتورهای اولیه، چندین تحلیل فاکتوربندی محوری اصلی^۴ اجرا شد. تصمیم در خصوص تعداد فاکتورهای منتخب به نظریه پیشین، بررسی نمودار اسکری^۵ و تحلیل موازی^۶ بستگی دارد. اسکری پلات داده‌های موجود در نمودار ۱ گزارش شده است. پلات به وضوح استخراج چهار فاکتور را نشان می‌دهد. تحلیل موازی، این واقعیت که واریانس توضیح داده شده توسط این چهار فاکتور بزرگ‌تر از واریانس توضیح داده شده توسط فاکتورهای تصادفی است را تأیید می‌کند. این چهار فاکتور ۰/۴۶ واریانس در داده‌ها را توصیف می‌کنند.

فاکتورهای استخراج شده سپس از طریق تکنیک پرومکس^۷ که یکی از تکنیک‌های چرخاندن مورب^۸ است، چرخانده شدند. به دلیل این که انتظار می‌رفت فاکتورها به هم مرتبط باشند، روش

1. Factorability of the Correlation Matrix
2. Bartlett's test of Sphericity
3. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) measure of sampling adequacy
4. Principal Axis Factoring (PAF)
5. Scree Plot
6. Parallel Analysis (PA)
7. Promax Technique
8. Oblique rotations techniques

پروماکس انتخاب شد (به گرمی، ۲۰۱۵ رجوع شود). لود شدن فاکتور چرخانده شده در نمودار ۱ نمایش داده شده است. بایستی به این نکته توجه کرد که تمام فاکتورهای لود شده بالاتر از سطح حداقل ۰/۳۰ می باشند (پالانت، ۲۰۱۶). بر پایه الگوی فاکتورهای لود شده فاکتورها با نامهای زیر نام گذاری شدند:

پشتکار^۱

علاقه مندی^۲

تمرین عامدانه^۳

هدف مندی^۴

جدول ۲: لود شدن فاکتورهای چرخانده شده

۴	فاکتورها		
	۳	۲	۱
	۰,۹۰۴		سؤال ۸
	۰,۵۹۱		سؤال ۱۱
	۰,۴۹۳		سؤال ۱۲
	۰,۴۰۳		سؤال ۷
		۰,۸۹۸	سؤال ۲۳
		۰,۶۰۵	سؤال ۲۱
		۰,۵۷۵	سؤال ۲۲
		۰,۵۳۵	سؤال ۲۵
			سؤال ۱۶
			سؤال ۱۷
			سؤال ۱۵
			سؤال ۱۹
۰,۶۸۸			سؤال ۲
۰,۶۵۳			سؤال ۱
۰,۴۹۲			سؤال ۴
۰,۴۷۱			سؤال ۶

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

1. THLE
2. ILE
3. PLE
4. HGLE

۳-۲. تحلیل عامل تأییدی

در مرحله بعد تحلیل عامل تأییدی بر روی مجموعه نهایی از آیتم‌ها برای تشخیص این‌که آیا ساختار فاکتوری تعیین‌شده توسط تحلیل عامل اکتشافی قابل انطباق است یا خیر، انجام شد. روش برآورد مشابهت حداکثری^۱ برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. این روش در مقابل تخطی از نرمال بودن داده‌ها^۲ که پیش‌فرض اصلی مربوط به برآورد ML است، قوی عمل می‌کند. تحلیل‌ها با استفاده از ورژن ۷/۱۱ نرم‌افزار Mplus مورد بررسی قرار گرفت (موتن و موتن^۳، ۲۰۱۰-۱۹۹۸). نتایج ام‌پلاس چهار شاخص مناسب مدل که در تصمیم‌گیری در خصوص تناسب مدل با داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند به شرح زیر ارائه داد:

Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

Comparative Fit Index (CFI)

Tucker-Lewis index (TLI)

Standardized Root Mean Square Residual (SRMR)

بنا بر نظر کلاین^۴ (۲۰۱۵)، برای اینکه یک مدل تناسب قابل‌قبولی داشته باشد، RMSEA آن بایستی کمتر از ۰/۶ باشد. برخی اوقات یک فاصله اطمینان ۹۰ درصدی^۵ نیز در مورد شاخص RMSEA گزارش می‌شود. حد بالای این فاصله باید کمتر از ۰/۸ باشد. علاوه بر این، CFI و TLI نیز بایستی بیشتر از ۰/۹۰ باشند و در نهایت SRMR نیز نباید از ۰/۸۰ بیشتر شود (براون، ۲۰۰۶). نخستین مدل تحلیل عامل تأییدی با $RMSEA = 0,07$ و ۹۰ درصد فاصله اطمینان شاخص $RMSEA = 0,06 - 0,09$ ، $CFI = 0,87$ ، $TLI = 0,85$ و $SRMR = 0,08$ تناسب قابل‌قبولی را نشان نداد.

بررسی برآوردهای پارامترها نشان داد که آیتم ۲۵ به میزان ناچیزی (۰/۱۸) بر روی فاکتور موجود لود شد؛ بنابراین این آیتم از مدل حذف شد. در مرحله بعد برآورد مدل جدید موجب به‌دست آوردن شاخص‌های تناسب قابل‌قبولی شد. مدل تحلیل عامل تأییدی و برآورد پارامترهای استاندارد در نمودار ۲ نمایش داده شده است. توجه داشته باشید که مقیاس‌سازی عوامل نهفته توسط ثابت نمودن تمام واریانس‌های فاکتور در ۱ صورت پذیرفته است. این امر موجب استانداردسازی برآوردهای پارامتر می‌شود. در نمودار ۲ نشان داده شده است که تمام برآوردهای پارامتر از لحاظ منطقی قابل‌قبول بوده و هیچ‌گونه برآورد خارج از محدوده‌ای وجود ندارد.

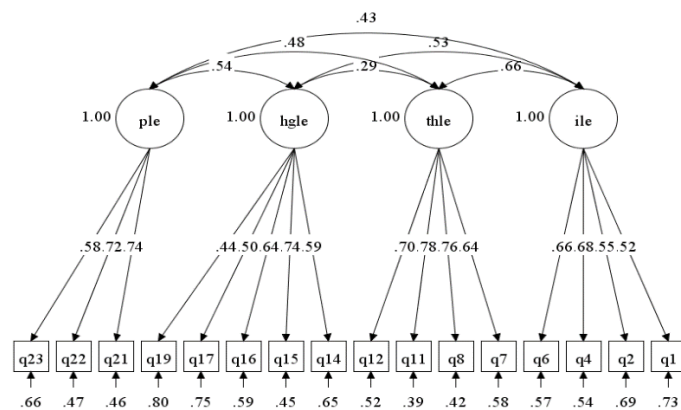
1. The robust Maximum Likelihood (ML) estimation technique

2. violations of non-normality

3. Muthén & Muthén

4. Kline

5. 90 percent confidence interval



نمودار ۲: مدل سی اف ای و برآوردهای پارامتر استاندارد شده

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

در مجموع نتایج تحلیل عامل‌های توصیفی و تأییدی، روایی پرسشنامه را تأیید و تقویت کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، پرسشنامه سنجش گریت برای یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی که تنها پرسشنامه موجود برای سنجش گریت در شرایط یادگیری زبان انگلیسی در ایران می‌باشد تدوین شد و پایایی و روایی آن نیز تأیید شد. تحلیل عامل تأییدی، ساختار ۴ فاکتوری پرسشنامه مبتنی بر سناریو EFL Grit که در آن هر ۴ عامل بر روی EFL Grit لود شدند، تأیید کرد. تمامی فاکتورها ثبات قابل‌قبولی را نشان دادند و به میزان زیادی به یکدیگر مرتبط بودند.

نتایج به‌دست آمده از بخش‌های کمی و کیفی مطالعه به‌طور کلی قابل‌قبول و در راستای اهداف مطالعه بودند. همان‌گونه که نتایج نشان داد، ارتباطات مشخص با نتایج پیش‌بینی شده این‌گونه اثبات کرد که این فاکتورها از یکدیگر مجزا می‌باشند. بر پایه نتایج تحلیل محتوای توصیفی، EFL Grit حداقل ۴ فاکتور متمایز و مرتبط به یکدیگر دارد که تشکیل‌دهنده ساختار گریت در شرایط آموزش زبان انگلیسی می‌باشند. علاوه بر این، براساس یافته‌های به‌دست آمده از مرحله تحلیل محتوای تأییدی که مدل تدوین شده را گسترش داده و تأیید می‌کند، ساختار کنونی مدل و پارامترهای آن کاملاً در تناسب با اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها هستند. به‌طور خلاصه، مدلی که فراتر از مقادیر حداقل پذیرش برای شاخص‌ها^۱ باشد می‌تواند به‌عنوان یک ابزار معتبر در نظر گرفته شود.

این مدل پیشنهادی زمینه لازم برای اندازه‌گیری EFL Grit را در شرایط ایران فراهم کرده است. پس از به‌دست آوردن تأیید قوی Mplus و SPSS 23، پیشنهاد داده می‌شود که محققان دیگر بر

1. minimum acceptance cut-off values for the indices

روی این چهار فاکتور با استفاده از پیشینه موجود و یافته‌های این مطالعه، تحقیق و بررسی انجام دهند. مقیاس‌های به‌دست‌آمده می‌توانند بر پایه ویژگی‌های رایج شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در ایران توضیح داده شوند.

در مورد مقیاس اول می‌توان این‌گونه اشاره کرد که تلاش کردن بسیار سخت برای یادگیری زبان در محیطی که آن زبان به‌عنوان زبان خارجی در نظر گرفته می‌شود و هیچ‌گونه شرایط و امکان برقراری ارتباط با افرادی که به آن زبان صحبت می‌کنند وجود ندارد، بسیار ضروری است. در مورد مقیاس دوم که مرتبط به ضرورت تمرین و ممارست فراوان برای یادگیری زبان می‌باشد، این‌گونه استدلال می‌توان کرد که در تمامی سیستم‌های آموزشی به منظور تکمیل فرآیند یادگیری، ممارست بسیار سودمند و ضروری است. انجام تمرینی که از هدف دقیق و مشخصی در فرآیند یادگیری زبان برخوردار باشد از اهمیت شایانی برخوردار است. هدفمندی در یادگیری زبان که به معنای داشتن اهداف بسیار روشن و دقیق برای پیگیری پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی می‌باشد از اهمیت بسیار ویژه‌ای در شرایط EFL برخوردار می‌باشد. به این دلیل که زبان‌آموزان EFL به‌دلیل قرار نداشتن در محیط یادگیری آن به‌عنوان زبان اول که در آن به منظور رفع نیازهای روزمره اجبار به استفاده از زبان خارجی داشته باشند، فاقد اهداف سریع و آنی برای یادگیری زبان خارجی می‌باشند. هدفمند بودن برای بهبود شرایط آکادمیک یا به‌دست آوردن پیشرفت‌های شغلی، بسیار ضروری می‌باشد. علاقه‌مندی به یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان آخرین فاکتور نقش فوق‌العاده مهمی به خصوص برای نوجوانانی که در مراحل مقدماتی یادگیری زبان بوده و یا قصد شروع یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی را دارند، ایفا می‌کند.

با عنایت به موارد ذکر شده بسیار ضروری است که مدرسان، طراحان منابع درسی و مدیران آموزش عالی به جنبه‌های گریت در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

در خصوص مقیاس اول (پشتکار) که در پرسشنامه لود شده است، تاف^۱ (۲۰۱۲) خاطر نشان می‌کند که موفقیت تنها مرتبط به عملکرد عالی و دریافت نمرات عالی در آزمون‌ها نیست، بلکه همان‌گونه که داکورث (۲۰۱۷) خاطر نشان می‌سازد مرتبط به ویژگی‌هایی همانند پشتکار، تلاش و سخت‌کوشی می‌باشد. گریت یک ویژگی غیرشناختی مرتبط به سخت کار کردن در چالش‌ها و حفظ تلاش ویژه و علاقه علی‌رغم وجود مشکلات و موانع بر سر راه پیشرفت می‌باشد. داکورث و همکاران (۲۰۱۷) اشاره می‌کند که فردی با گریت بالا به موفقیت همانند یک ماراتن نزدیک می‌شود و مزیت ویژه این فرد استقامت و پشتکار اوست. در خصوص EFL Grit می‌توان این‌گونه اشاره نمود که مقیاس پشتکار تا حدودی شبیه به مفهوم "بسیار پیگیر"^۲ که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط

1. Tough
2. stubborn

داکورت مطرح شد، است که در آن پشتکار و سخت‌کوشی به‌عنوان تعهد راسخ به‌منظور برآوردن نیازهای روزمره دانش‌آموزان در کلاس توصیف شد. این فاکتور به‌طور مشابهی در پرسشنامه داکورت با آیتم‌هایی همانند "من همواره کاری را که شروع می‌کنم به اتمام می‌رسانم" و "من بسیار سخت‌کوش هستم" لود شده بود. در مطالعه انجام شده توسط جاودان (۱۳۹۳) با عنوان "ساخت و اعتبارسنجی پرسشنامه مشکلات یادگیری درس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه" اشاره شده است که زبان‌آموزان معمولاً مشکلات زبان‌آموزی‌شان را به عدم داشتن پشتکار کافی مرتبط می‌دانند. درصد قابل‌توجهی از زبان‌آموزان در پژوهش یاد شده دلایل اساسی رهاکردن یادگیری زبان انگلیسی را به فقدان پشتکار و تلاش نکردنشان برای یادگیری مرتبط می‌دانند.

علاقه‌مندی فراوان به یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان مقیاس دوم پرسشنامه نیز به‌طور مشابهی با دومین مقیاس پرسشنامه داکورت همخوانی دارد. این فاکتور در برخی آیتم‌های پرسشنامه همانند "من برای مدت کوتاهی روی یک پروژه یا ایده کار کردم اما پس از آن علاقه‌ام را از دست دادم" و "من هر چند ماه یا چند سال یک‌بار به فعالیت‌های جدید علاقه‌مند می‌شوم" موجود است. در رابطه با اهمیت "علاقه‌مندی" در اتمام هر فعالیت، (فرانسیس گالتون^۱، ۱۹۸۲؛ به نقل از کریر لیون، ۲۰۱۴)، اطلاعات بیوگرافی دانشمندان، مقامات دولتی و دیگر افراد موفق را جمع‌آوری کرده و نتیجه‌گیری نمود که توانمندی به‌تنهایی عامل موفقیت این افراد نیست بلکه افراد بسیار موفق از آمیزه‌ای از علاقه‌مندی و توانایی سخت تلاش کردن برخوردارند. در تحقیق مشابهی، (کاکس^۲، ۱۹۲۶؛ به نقل از کریر لیون، ۲۰۱۴) مطالعاتی را بر روی ۳۰۱ تن از رهبران قدرتمند و افراد خلاق صورت داد و به این نتیجه رسید که نقش میزان هوش^۳ در موفقیت این افراد ناچیز بوده و عمده موفقیت آن‌ها به علاقه‌مندی و سخت‌کوشی شان مرتبط بوده است. ون کولینا و همکاران (۲۰۱۴) نیز ادعان می‌دارند که افراد با گریت بالا به احتمال فراوان در فعالیت‌هایشان به‌دنبال مفهوم و معنای واقعی کارشان بوده و علت اصلی آن مرتبط به علاقه‌مندی و سخت‌کوشی در فعالیت‌هایشان بوده است. آنها همچنین استدلال می‌کنند که گرایش به‌سوی علاقه‌مندی‌ها از طریق تلاش مداوم در گذر زمان به احتمال فراوان موجب تقویت گریت خواهد شد.

دو فاکتور پشتکار و علاقه‌مندی که بر روی پرسشنامه گریت لود شدند، مشابه دو فاکتوری بودند که در پرسشنامه داکورت لود شده بودند و این منطبق بر نظریه داکورت و کوین (۲۰۰۹) می‌باشد که در مقابله با چالش‌ها و ناکامی‌ها، افراد با گریت بالا، پشتکار و علاقه‌مندی فراوان از خود نشان می‌دهند که موجب حفظ و استمرار تلاش آن‌ها در گذر زمان می‌شود و این مطلب در EFL Grit به معنای ظرفیت حفظ تلاش و علاقه در پروژه‌هایی است که اتمام آن بیش از چند ماه و یا بیشتر زمان می‌برد (داکورت و کوین، ۲۰۰۹: ۱۶۶).

1. Francis Galton
2. Cox
3. IQ

علاوه بر دو مقیاس ذکر شده که به طور مشابهی در پرسشنامه گریت داکورث نیز لود شده بودند، دو مقیاس "تمرین فراوان" و "هدفمندی" برای یادگیری زبان انگلیسی نیز بر روی پرسشنامه EFL Grit لود شدند. در خصوص تمرین عامدانه این گونه بیان شده است که فرد با گریت بالا به خصوص در زمینه یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی، سعی می‌کند که بر فعالیت‌هایش متمرکز شده و به منظور انجام تمرین قاعده‌مند برای موفق شدن در اتمام یک فعالیت از راهبردهایی که قابلیت عملیاتی شدن دارند، استفاده کند (دپارتمان آموزش آمریکا، ۲۰۱۳). اگرچه این فاکتور بر روی پرسشنامه تدوین شده توسط داکورث لود نشده است؛ اما در توصیف گریت از منظر داکورث و همکاران (۲۰۰۷) تأکید شده است که در صورتی که دانش‌آموزان آموزش‌های مستقیم همراه با راهبردهای یادگیری واضح و دقیق را از مدرسان خود دریافت کنند، می‌توانند از پشتکار کافی و لازم برای اتمام یک فعالیت برخوردار شوند که این موضوع هم‌راستا با سومین فاکتور رود شده در پرسشنامه EFL Grit به نام تمرین و ممارست فراوان برای یادگیری زبان انگلیسی می‌باشد. به عقیده داکورث و همکاران (۲۰۰۷)، افراد با گریت بالا از قدرت مقاومت واقعی و تاب‌آوری در شرایط چالش‌برانگیز و دشوار برخوردار بوده و از پشتکار شایان توجهی به منظور اتمام یک فعالیت برخوردارند، در حالی که افراد با گریت پایین این گونه نیستند. اهمیت تمرین و ممارست فراوان در مقاله‌ای توسط داکورث و همکاران (۲۰۰۷) که در آن محققان بر روی تأثیرات گریت بر روی عملکرد شرکت‌کنندگان در مسابقه ملی هجی کردن کلمات بررسی انجام دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که شرکت‌کنندگان با گریت بالا در خصوص عملکرد هجی کردن که به طور مستقیمی مربوط به توانایی افراد برای تمرین و ممارست فراوان و مناسب می‌باشد، بسیار موفق‌تر عمل می‌کنند. در مطالعه مشابهی، داکورث، کربی^۱، سوکایاما^۲، برنستاین^۳ و اریکسون^۴ (۲۰۱۱) این گونه نظریه‌پردازی کردند که افراد با گریت بالا به دلیل درگیر شدن در تمرین‌های عامدانه و فراوان در مسابقه هجی موفق‌تر ظاهر شدند. آن‌ها همچنین بر این نکته تأکید کردند که شرکت‌کنندگان با تجربه‌تر و موفق‌تر در قیاس با هجی‌کنندگان آماتور مدت زمان بیشتری را برای انجام تمرین و ممارست فراوان صرف کرده‌اند و این مطلب هم‌راستا با یافته‌های مطالعه حاضر می‌باشد که در آن افراد با گریت بالا در زمینه یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در قیاس با افرادی با گریت پایین، تمرین و ممارست بیشتری را انجام می‌دهند. گاه^۵ (۲۰۱۴)، به نقل از کریر لیون، (۲۰۱۴)، پیشنهاد می‌کند که مرحله آموزشی میانی به منظور آگاه ساختن دانش‌آموزان از ارزش و اهمیت تمرین و ممارست در سیستم آموزشی گنجانده شود. برخی دانش‌آموزان با گفتن و جملاتی همانند

1. Kirby
2. Tsukayama
3. Bernstein
4. Ericsson
5. Gaha

"من باید این کار را رها کنم یا من توانایی انجام این کار را ندارم" در مواجهه با شکست ناکامی‌ها واکنش نشان می‌دهند. او همچنین خاطر نشان می‌سازد که بایستی به دانش‌آموزان آموخت که آنها بایستی شروع به انجام فعالیتی کنند که ممکن است در فرآیند انجام آن به موفقیت دست یابند یا شکست بخورند و این آگاهی را به دست آورند که با تمرین و ممارست فراوان می‌توانند هر شکستی را به موفقیت تبدیل کنند.

عامل بعدی که در پرسشنامه EFL Grit لود شد، عامل هدفمندی برای یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی بود که گرچه بر روی پرسشنامه گریت داکورث لود نشد اما سنجش آن در برخی آیتم‌های پرسشنامه همانند "من سال‌ها برای رسیدن به هدفم کار و تلاش انجام داده‌ام" و "من اغلب یک هدف را برای خودم انتخاب می‌کنم اما پس از مدتی هدفم را تغییر می‌دهم" مشهود است. هدفگذاری مؤثر مستلزم آن است که فرد توانایی تعیین یک هدف بلندمدت، شکستن آن به اهداف کوتاه‌مدت، اهداف فرعی قابل دسترس، نظارت بر پیشرفت و قابلیت ارزیابی، تنظیم کردن استراتژی و در صورت نیاز، تنظیم یک هدف جدید در صورتی که هدف قبلی به سرانجام رسیده باشد را داشته باشد (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۳). در این راستا میچل^۱ (۲۰۱۵) ضمن اشاره به اهمیت شایان دستیابی به موفقیت به نقطه‌نظر داکورث (۲۰۰۷) اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که افراد با گریت بالا بدون توجه به چالش‌های سخت و ناکامی‌های شخصی اهداف خود را تعیین کرده و به آنها دست می‌یابند. او همچنین اضافه می‌کند که ارتباط مستقیمی بین گریت و موفقیت وجود دارد و افراد با گریت بالا نیازمند دریافت تأییدیه‌های مثبت از دیگران نمی‌باشند و بسیار برای دسترسی به اهدافی که برای خود تعیین کرده‌اند سعی و تلاش می‌کنند و به‌طور قدرتمندتری افرادی که از میزان گریت خاص و فوق‌العاده‌ای برخوردارند در راه رسیدن به اهدافشان نیازی به دریافت بازخورد مثبت و تأییدات دیگران ندارند.

به‌طور کلی، نکته اصلی گریت، داشتن علاقه‌مندی همراه با تمرکز فراوان می‌باشد و بایستی این حقیقت را اذعان داشت که به‌منظور کسب موفقیت در یک فعالیت، توجه بسیار زیاد و صرف انرژی برای رسیدن به هدف در طول یک دوره زمانی طولانی مورد نیاز است. به‌منظور کسب موفقیت و داشتن گریت در EFL Grit یک فرد بایستی از پشتکار، علاقه‌مندی، تمرین و ممارست و هدفمندی لازم برای یادگیری زبان برخوردار باشد.

نتایج به‌دست آمده در مطالعه حاضر، نشانگر این مطلب است که موضوعات زبان روانشناختی همانند گریت نقش بسیار قابل‌توجهی در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی دارند. مدرسان، اساتید و طراحان منابع درسی بایستی در هنگام تدوین، طراحی منابع درسی و انتخاب انواع فعالیت‌ها در برنامه‌های آموزشی‌شان به‌منظور تشویق دانش‌آموزان و برآوردن نیازهای آنها، توجه به آمیختن گریت و دیگر ویژگی‌های زبان‌شناختی را مدنظرشان داشته باشند.

1. Mitchell

فقدان وجود شواهد لازم در مطالعات EFL Grit به‌طور گسترده‌ای مرتبط به این حقیقت است که این مفهوم مورد بحث و بررسی و توصیف قرار نگرفته است و به این معناست که ما هنوز اطلاع دقیقی از محتوای EFL Grit و اجزای تشکیل‌دهنده آن خارج از شرایط آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در ایران نداریم. به بیانی دیگر، این مطالعه نخستین تلاش برای عملیاتی ساختن و توصیف این مفهوم است و شرایط سنجش گریت را در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در شرایط ایران از طریق تدوین و اعتبارسنجی پرسشنامه فراهم کرده است. یافته‌های مطالعه حاضر به خاطر در هم آمیختن و همگام کردن رشته‌های روان‌شناسی و آموزش زبان از اهمیت خاصی برخوردارند. با عنایت به اهمیت فاکتورهای روانشناسی در یادگیری زبان دوم، تدوین پرسشنامه گریت برای شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در ایران می‌تواند به‌طور کلی برای زبان‌آموزان، مدرسان و اساتید زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی سودمند واقع شود. اگر ویژگی گریت به‌عنوان یک عامل تسهیل‌گر در نظر گرفته شود، تشخیص و توجه به آن که ممکن است نقش بسیار ویژه‌ای را در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی داشته باشد، می‌تواند به مدرسان برای تدوین برخی تکنیک‌های آموزش که موجب بهبود کیفیت آموزش زبان انگلیسی می‌شود، یاری رساند. علاوه بر این، اگر EFL Grit عامل مفیدی در موفقیت زبان‌آموزانی که در آزمون‌های استاندارد متفاوت همانند تافل شرکت می‌کنند، در نظر گرفته شود، تشخیص این ویژگی شخصیتی می‌تواند برای مدرسان در راستای تدوین تکنیک‌های بسیار سودمند یاری رسان باشد.

با عنایت به فقدان هرگونه ابزاری برای سنجش EFL Grit، در مطالعه حاضر سعی شد که یک پرسشنامه واقعی برای سنجش آن با استفاده از منابع موجود تدوین شود ولی امکان سنجش روایی همزمان آن با دیگر پرسشنامه‌های موجود فراهم نبود. سناریوهای موجود در پرسشنامه جدید تلاشی برای انعکاس حداکثری واقعیت‌ها و دشواری‌های شرایط یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی در محیط ایران است. آزمودن واقعی اعتبار پرسشنامه EFL Grit و ارتباط آن با متغیرهای دیگر پیشنهادی است که برای اعتبارسنجی بیشتر ساختار آن در دیگر مطالعات پیشنهاد می‌گردد. به‌طور قطع اگر پرسشنامه حاضر در شرایط آموزشی دیگر به‌کار گرفته شود، مدل پیشنهادی EFL Grit ممکن است دستخوش تغییراتی شود؛ بنابراین، انجام مطالعات مشابه و یا تکرار این مطالعه توسط محققان دیگر می‌تواند در عملیاتی‌کردن مفهوم EFL Grit و اصلاح و بهینه‌سازی ساختار فاکتورهای این مدل پیشنهاد شود.

منابع

- جاودان، موسی. (۱۳۹۳). «ساخت و اعتبارسنجی پرسشنامه مشکلات یادگیری درس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۳(۴)، ۱۰۷-۱۲۱.
- یارمحمدی اصل، مسیب؛ نارنجی‌ها، هومان و رفیعی، حسن. (۱۳۸۹). «ساخت و اعتباریابی آزمون مهارت‌های زندگی در افراد وابسته به مواد». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۱۷۶-۱۵۱.
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ جهان، فائزه؛ کردنوقایی، رسول و رشید، خسرو (۱۳۹۳). «اثر آموزش هدف‌گذاری بر اهداف پیشرفت و انگیزه». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۵(۳)، ۹۱-۱۰۵.
- Brown, J. D. (2001). *Using Surveys in Language Programs*. Cambridge University Press, Cambridge, UK.
- Brown, T. A. (2006). *Confirmatory Factor Analysis for Applied Research*. The Guilford Press. New York London.
- Barsade, S. and Gibson, D. (2007). "Why Does Affect Matter in Organizations?"; *ACAD MANAGE, PERSPECT*, 21(1), 36-59.
- Busha, C.H. and Harter, S.P. (1980). *Research Methods in Librarianship: Techniques and Interpretations*. Academic Press Inc., Orlando.
- Carrier Lyon, A. (2014). *Teaching and Fostering Qualities Related to Grit*. Unpublished, Doctorate of Education thesis. New England College. UMI Number: 3636966.
- Dornyei, Z. (2003). *Questionnaires in Second Language Research: Construction, Administration, and Processing*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Duckworth, A.L.; Kirby, T.A.; Tsukayama, E.; Bernstein, H. and Ericsson, K. A. (2011). "Deliberate practice spells success: Why grittier competitors triumph at the national, spelling bee". *Social Psychological and Personality Science*, 2, 174-181.
- Duckworth, A. L.; Peterson, C.; Matthews, M. D.; Kelly, D. R. (2007). "Grit: Perseverance and passion for long-term goals". *Journal of Personality and Social Psychology*. 92, 1087-1101.
- Duckworth, A. L.; Quinn, P. D. (2009). "Development and validation of the Short Grit Scale (Grit-S)". *Journal of Personality Assessment*. 91, 166-174.
- Eisenberger, R. and Mauriello Leonard, J. (1980). "Effects of Conceptual Task Difficulty on Generalized Persistence". *The American journal of psychology*, 9(3), 285-298.
- Ericsson, K. A. and Charness, N. (1994). "Expert Performance; its structure and Acquisition", *American Psychologist*. 49(8), 725-747.
- Flick, Uwe (1998). *An Introduction to Qualitative Research*. London: Sage Publication.
- Johnson, K. and Johnson, H. (1999). *Encyclopedic Dictionary of Applied Linguistics: A Handbook for Language Teaching*. Blackwell Publishers. Second edition. Oxford, UK.

- Holstein, James A. and Gubrium, Jaber F. (1995). *The Active Interview*. Thousand Oaks, CA: Sage, Publication.
- Johnson, P. R. and Indvik, J. (1997). "The scourge of the workplace: depression at work", *Journal of Workplace Learning*, 9(1), 12-16.
- Karami, H. (2015). "Exploratory Factor Analysis as a Construct Validation Tool: (Mis) applications in Applied Linguistics Research". *TESOL Journal*. 6(3), 476-498
- Kline, R. B. (2015). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Press. Fourth Edition. New York London.
- Locke, E.A.; Shaw, K.N.; Saari, L.M. and Latham, G.P. (1981). "Goal setting and task performance: 1969-1980". *Psychological Bulletin*. 90, 125-152.
- Mitchell, J. V. (2015). *Acquisition, Development and Demonstration of Grit among Latina Teachers from The Central San Joaquin Valley*. Unpublished Doctorate of Education thesis. Benerd School of Education. Education Administration and Leadership University of the Pacific. Published by ProQuest: 3725318.
- Moeller, A. K. and Catalano, T. (2015). "Foreign Language Teaching and Learning". *International Encyclopedia for Social and Behavioral Sciences*, 2nd Edition. 9, 327-332
- Pallant, J. (2016). *SPSS survival manual: A step by step guide to data analysis using SPSS* (4th edition ed.). Crows Nest Australia: Allen and Unwin.
- Rubin, H. J. and Rubin, I.S. (1995). *Qualitative interviewing: the art of hearing data*. London: Sage Publications.
- U.S. Department of Education, Office of Educational Technology (2013). *Promoting Grit, Tenacity, and Perseverance: Critical Factors for Success in the 21st Century*, Washington, DC.
- Vainio, M. and Daukantait, D. (2015). "Grit and Different Aspects of Well-Being: Direct and Indirect Relationships via Sense of Coherence and Authenticity". *Journal of Happiness Studies*. 17(5), 2119-2147.
- Von Culina, K.R.; Tsukayama, E. and Duckworth, A.L. (2014). "Unpacking grit: Motivational correlates of perseverance and passion for long-term goals". *Journal of Positive Psychology*, 9, 306-312.